

شہید عبدالعزیز رستمی



سامانہ جامع سرداران و دوہزار شہید استان بوئھر

نام پدر	حیدر
تاریخ تولد	۱۳۴۲/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - گناوه
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۵/۰۱
محل شهادت	حاج عمران
مسئولیت	فرمانده دسته
نوع عضویت	پاسدار
شغل	پاسدار
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	گناوه

زندگینامه

شهید عبدالعزیز رستمی فرزند حیدر در سال ۱۳۴۲ در خانواده‌ای مذهبی در روستای کمالی متولد شد و به دلیل رفت و آمد روحانیون به منزل ایشان به خصوص توصیه‌های پدر بزرگش مرحوم حاج رضا علاقه خاصی به روحانیت داشت و در همان دوران کودکی با مسائل اسلام آشنا شد .
وی قبل از آنکه به سن بلوغ برسد شروع به خواندن نماز و گرفتن روزه نموده بود .
در مراسم روزه خوانی ماه‌های محرم و رمضان در هر شرایطی شرکت می نمود و به نوحه سرائی و خواندن دعای کمیل در شب‌های ماه رمضان می پرداخت .
وی به علت گرفتاری خانوادگی و ادامه تحصیل برادر بزرگتر با وجود هوش سرشاری که داشت ناچار به توقف تحصیلات خود در مقطع ابتدائی شد تا به کمک پدر به کار و امرار معاش خانواده بپردازد و بتواند باری از دوش پدرش بردارد .
وی تابستان سال ۱۳۶۰ ازدواج کرد و از او یک فرزند پسر باقی است شهید رستمی با توجه به علاقه خاصی که به انقلاب و جمهوری اسلامی داشت به ویژه سپاه پاسداران که آنها را نگهبانان دین و جمهوری اسلامی می دانست خود نیز جهت همکاری با آنها وارد این نهاد انقلابی شد .
وی همیشه آرزوی شهادت داشت و وقتی که در گلزار شهدا می آمد می گفت خوب است انسان شهید شود چقدر این شهدا ارزش دارند .
آری او همان طور که دوست داشت و خود نیز به خواب دیده بود در آخرین مرتبه که به مرخصی آمده بود یک نسخه از وصیت نامه و یک قطعه عکس به برادرش داده بود و گفته بود که من این بار شهید می شوم و جسمم نیز تا مدتی پیدا نمی شود و از طرفم از تمام کسانی که حقی بر گردنم دارند حلالی بطلبید ؛
آری او همانطور که گفته بود در عملیات والفجر ۲ پس از پیروزی‌های چشمگیر در روز ۱۰/۵/۱۳۶۲ عاشقانه به دیدار معبودش شتافت و پیکر مطهرش نیز پس از مدت زمان نزدیک به ۱۲ روز به منزلگاه ابدیش گلزار شهدای گناوه در کنار دیگر دوستانش قرار گرفت .

وصیت نامه

بنام خداوند بخشنده مهربان ، خدایی که جان و حیات می‌بخشد و جان و حیات می‌ستاند ، زنده می‌کند و می‌میراند . خدایی که آمرزنده است و شدیدالعقاب است .

ای خوشا با فرق خونین در لقا یار رفتن سر جدا ، پیکر جدا بر محفل دلدار رفتن اکنون که عازم میدان نبرد حق علیه باطل هستم میدان آزمایش می‌دانی که چه بسا عزیزان عاشق ما برای دیدار معشوق خود رفتند به سوی حق با معشوق خود وصلت کردند و جاودانه با او هستند .

می‌دانی که ما را به یاد نبردهای صدر اسلام از احد گرفته تا میدان کربلا و جانفشانی‌های رهبر شهیدان امام حسین می‌اندازد اکنون که یاران امام روح الله عازم میدان است و به ندای هل من ناصر □ امام لیبک گفته و می‌روند تا پوزه آمریکا و شوروی و دیگر نوکران آن را به خاک ذلت بمالند این جانب نیز بر خود واجب دانسته تا به سهم خود برای اسلام کاری کرده باشم همراه کاروان شدم .

اکنون که خداوند چنین افتخاری را نصیبم می‌کند لازم دانستم چند کلمه ای با شما عزیزان با شما سربازان اسلام و یاران امام در میان بگذارم ، انسان همه جا می‌تواند برای اسلام و انقلاب خدمت کند ولی بنده تمام راههایی را که دیگران در آن خدمت می‌کنند بررسی کردم تنها راهی که کمی خاطر من را جمع کرد مرکزی بود بنام اسلام و انقلاب اسلامی که تاسیس شد .

یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وقتی که اسم سپاه را می‌شنوم اشک شوق بر چشمم حلقه می‌زند از همه چیز دست کشیدم و به دوست پیوستم در سپاه ثبت نام کردم و اکنون با گذرانیدن دوران پر افتخار و فراموش نشدنی آموزشی سپاه باید خود را برای خدمت آماده کرده باشم.علاقه من به سپاه و انقلاب چیز تازه‌ای نیست من از اوایل انقلاب علاقه بخصوصی به انقلاب و سپاه داشتم و اکنون غصه می‌خورم که چرا زودتر این افتخار نصیبم نشد که وارد سپاه شوم و فیض بیشتری ببرم دلم می‌خواست برای مردم ایران و به خصوص مردم شهرم خدمت کنم ولی باز دل خوشم از اینکه اگر تاکنون نتوانسته‌ام برای مردم خدمتی کنم ولی اکنون می‌روم جبهه آنقدر گوشش می‌کنم تا لااقل تلافی قسمتی از خدمتم را کرده باشم اگر در این راه شهید شدم که به آرزوی خود رسیده و از ملت تقاضای بخشش می‌کنم و اگر حیاتی باقی بود هم که ان شاء الله به خدمت گزاری مرا قبول دارند .

می‌گویند که مدتی است در جنوب و غرب ایران بازار معامله داغ است البته بازار معامله مبادله جنس و کالای فانی دنیا نیست و طرف معامله نیز اشخاص عادی و مختلف نیست بلکه در آنجا طرف معامله کسی است که احتیاج به معامله و مبادله ندارد از همه چیز بی‌نیاز است بلکه این ما هستیم که به کالای او محتاج و نیاز مندیم . بنده چندین بار قصد این بازار کردم و تصمیم گرفتم که بروم و این معامله را انجام بدهم ولی توفیق نیافتم ولی این بار با قلب لبریز از عشق و ایمان به این معامله می‌روم این بار آنقدر می‌ایستم و چانه می‌زنم تا کالای ناقابل مرا قبول کند من کار ندارم که او در عوض چه به من خواهد داد او هر چه بدهد نیکوست و از روی عدل است. منظور من این است که او کالای مرا قبول کند ای برادر و خواهر مسلمان و سلحشور آنجا مبادله جان است می‌دهند و سعادت همیشگی می‌خرند آنجا بوی خون است باروت و بانگ تکبیر است و لا اله الا الله آنجا جوانمردی و استقامت است .

اینک وصیتی دارم به شما ای برادر و خواهر مسلمان و شهید پرور در همه کارهایتان خدا را ناظر بدانید کارهایتان برای خدا باشد اکنون که جنگ کمی طولانی شده دشمنان اسلام نیز وارد عمل شده و می‌گویند که مردم ایران از جنگ و انقلاب خسته شدند.

ولی ان شاء الله شما با شرکت در نماز جمعه حضور و یکپارچگی خودتان را در صحنه حفظ کنید و به استکبار جهانی ایادی او نشان دهید که نه تنها مردم ایران خسته نمی‌شوند بلکه مصمم تر از پیش با آمریکا و نوکرانش در منطقه و جهان مبارزه خواهند کرد .

شما همیشه گوش به فرمان امام عزیزمان باشید فرمان او فرمان امام زمان و فرمان امام زمان فرمان پیامبر و فرمان پیامبر فرمان خدا است خدای نکرده نکند یک لحظه از فرمان امام که همان فرمان خداست غفلت کنید و امام را تنها بگذارید که دشمن شاد شوند .

دشمنان همیشه در این فکر بوده‌اند که مردم را از روحانیت جدا کنند و جداگانه به جان آنها بیفتند ولی ما

می‌گوییم اگر روحانیت نبود اسلام نبود و بر هر فرد مسلمان واجب است که برای حفظ اسلام از روحانیت اصیل پشتیبانی کنند روحانیتی که در تمام تاریخ رشد انقلابی خود را نشان داده و در واقع اگر او نبود اکنون اسلام به تباهی کشیده شده بود.

ای ملت رزمنده دعای به جان امام را فراموش نکنید و همیشه برای رضای خدا امام را دعا کنید امام قلب ملت است قلب خودتان را به نور روشن نگهدارید پشت جبهه را محکم داشته باشید .

همانطور که قبلاً نشان داده‌اید تا آنجا که امکان دارد نماز جمعه را ترک نکنید و سر نمازهایتان برای رزمندگان در جبهه دعا کنید چون همین دعاها شماس است که جبهه‌ها را آنگونه به پیش برده است خانواده شهدا را فراموش نکنید که چشم آنها بسوی خدا و شماس است .

از پدر و مادرم و خانواده‌ام عاجزانه طلب بخشش می‌کنم و از آنها می‌خواهم که برای رضای خدا مرا حلال کنند از کلیه برادران می‌خواهم که هر چند من برادر بدی برای آنها بوده‌ام آنها به بزرگی و خوبی خودشان مرا ببخشند و حلال کنند .

از کلیه قوم و خویشان و دوستان و برادران مسلمان و خواهران مسلمان عاجزانه طلب بخشش می‌نمایم . پدرم اگر من شهید شدم فرزندم را با مکتب اسلام آشنا سازید و هر طور شده او را با قرآن آشنا سازید و در پایان پیروزی همه شما را در کارهایتان از خدای بزرگ آرزو می‌کنم خداوند اسلام و مسلمین را به اعلا درجه برساند و دشمنان اسلام را خوار و ذلیل و نابود کند .

پشت تابوتم اگر شهید شدم شعار : فیضیه - دانشگاه - خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار - مرگ بر امریکا، شوروی، صدام - الله اکبر، خمینی رهبر را بنویسید. هر وقت سر قبرم آمدید برای رزمندگان و امام دعا کنید .

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی خمینی را نگه دار از عمر ما بکاه به عمر او بیغزا رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما .

و سلام علیکم و رحمت الله و برکاته .



سامانه جامع سرداران و دوازدهمین استان بوئسهر